

تثبیت اولیه دشمن مبنای همه پیروزی‌ها در هشت سال دفاع مقدس*

الف: کلیات

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» عمیقاً بر این باور است که موضوع مهم، اساسی و سرنوشت‌ساز تثبیت دشمن توسط ارتش در سال اول جنگ مغفول و مظلوم واقع شده است. در صورتیکه سایر عملیات انجام شده در دوران دفاع مقدس در کلیه مراحل به برکت و بر پایه و اساس تثبیت دشمن انجام گرفته است. در ذیل به مواردی از دلایل عوامل این مهم پرداخته می‌شود تا در کلیه آموزش‌ها و تحلیل‌های آموزشی و تحقیقاتی مدنظر دقیق اساتید و تحلیل‌گران قرار گیرد.

ب: بحث

۱- طبق قوانین راهکنشی (عملیاتی - تاکتیکی) اساساً تا زمانی که تجاوز دشمن سد و متوقف نگردیده باشد، اجرای پاتک یا آفند متقابل مقدور نیست. این قضیه جزء فرضیات اثبات شده تاکتیکی است. مثال‌ها، مصادیق و نمونه‌های تاریخی بسیاری را در تاریخ نظامی ایران و جهان می‌توان در اثبات این مدعا، بیان نمود. بنابراین بحث تثبیت و متوقف نمودن ارتش متجاوز عراق، از اساسی‌ترین مباحث جنگ ایران و عراق است. به نظر می‌رسد آن طور که باید و شاید به آن پرداخته نشده و اهمیت و حساسیت آن در سایه تشریح و توصیف عملیات آفندی بخصوص در سال دوم جنگ و ایثارگری‌های مردم قرار گرفته و تأثیر اقدامات و عملیات و فعالیت‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران که محور اصلی و اساسی توقف پیشروی در زمین، هوا و دریا بوده سهواً یا عمداً مغفول مانده است.

در حالی که ساده‌ترین و در عین حال منصفانه‌ترین تحلیل‌ها ثابت می‌کند، توقف ماشین جنگی عراق در هفته‌های اولیه جنگ، از طریق ایمان، ایثار و رشادت مظلومانه و با کاربرد ماهرانه جنگ‌افزار و تجهیزات و تخصص‌های حرفه کارکنان ارتش، عملی گردیده است. به بیان روشن‌تر، فقط ارتشی متعارف و کلاسیک یعنی مشابه با ارتش عراق می‌توانست قادر به اقدام در متوقف کردن آن بوده باشد.

*. به قلم: سرتیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری

۲- در این راستا، تعهد، تخصص، تجهیزات و وظیفه‌مداری ارتش با تأثیرپذیری از فرماندهی انقلابی، رهبری الهی و شخصیت به شدت تأثیرگذار حضرت امام (ره) بر ارتش، اساس و بنیان ایستادگی ارتش را تشکیل داد. البته همکاری، همدلی، همراهی سپاه و نیروهای مردمی هم در پشتیبانی از ارتش از عوامل مؤثر در این ایستادگی بوده‌اند.

۳- اگر این سد پیشروی عراق انجام نمی‌شد، فتوحات سال دوم جنگ و تعقیب متجاوز از سال دوم به بعد اساساً قابل اجرا نبود. نه مقاومت‌های درون شهری می‌توانست دشمن را متوقف سازد و نه جنگ‌های چریکی می‌توانست ۱۲ لشکر اشغالگر را از ادامه پیشروی باز دارد. لذا ترمز اصلی در متوقف کردن ارتش عراق، تعهد، تخصص و تجهیزات ارتش بوده است. عراقی که می‌خواست در سه روز اول جنگ، خوزستان را از ایران اسلامی جدا و یک حکومت دست نشانده مخالف انقلاب را در آن ایجاد نماید، تنها با رویارویی و مقابله نیروی هم‌شکل و مشابه خود می‌توانست در این آوردگاه کمر خم کند. جواب گلوله توپ را با گلوله توپ و بمباران و حمله هوایی را با حمله و بمباران هوایی دریافت کند و تانک در مقابل تانک و ناو در مقابل ناو قرار گیرد. (حتی اگر از لحاظ کمی نابرابر باشند.) همه دیدیم و جهان نیز شاهد شد که در روزهای اولیه جنگ، نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، پدافند هوایی، هوانیروز و یگان‌های مستقر در مناطق عملیاتی چنین کردند.

خلاصه آنکه، سد پیشروی نیروهای عراق در ایران، توسط نیروی زمینی، نیروی هوایی و عملیات نیروی دریایی در خلیج فارس، سر آغاز زمینه‌ساز و مبدأ کلیه عملیات بعدی است. اگر پیشروی عراق سد نمی‌شد و راه‌های مواصلاتی داخلی به شهرهای حیاتی در خوزستان، ایلام، کرمانشاه و خلیج فارس و دریای عمان این گلوگاه حیاتی ایران اسلامی، باز می‌ماند، بعید بود که می‌توانستیم بعداً به عملیات طریق القدس، ثامن‌الائمه(ع)، فتح‌المبین و بیت‌المقدس و... اقدام کنیم.

به زبان ساده‌تر، سد پیشروی عراق به عنوان یک اقدام تاکتیکی عملیاتی برجسته و ارزشمند ارتش، دارای نتایج راهبردی کلان بعدی، بشمار می‌رود.

۴- سپاه پاسداران در سال اول جنگ و در آستانه جنگ از سازمان عملیاتی منسجمی برخوردار نبوده و در تلاش پیگیر جهت تشکیل ساختار مناسب برای رویارویی با جنگ منظم بود.

بهرتر است بگوئیم سپاه در اصل و حسب قانون اساسی، صرفاً با یک ساختار امنیتی و برای امنیت داخلی شهرها سازماندهی شده بود و به یک سازمان نظامی شبیه نبود.

۵- از طرفی بنا به ادعای صحیح سپاه، ابوالحسن بنی صدر فرمانده کل قوای وقت از مخالفین شرکت سپاه در جنگ بود و برای آن‌ها موانع بسیاری بوجود می‌آورد. لذا سپاه پاسداران قادر به انجام این کار در سال اول نمی‌توانست باشد.

۶- بنا به دلایل درستی که برادران سپاه پاسداران عنوان می‌نمایند، آنها در آغاز جنگ فاقد تجهیزات اولیه مانند تفنگ ۳ و حتی تفنگ‌های قدیمی‌تر، به تعداد کافی برای نفرات معدود خود بوده بطوریکه فرمانده سپاهی در همان زمان با انتشار نامه دردآلودی اعلام می‌کند که چرا به آن‌ها توجه نمی‌شود (امیر دریادار شمخانی). و یا سردار مرتضی قربانی مدعی است که به‌زور و با تهدید اسلحه توانست چند جعبه مهمات سبک از یکی از انبارهای مهمات دست و پا کند.

نمونه‌هایی از این دست، اگر چه مصداقی از شوق خالصانه آنان به ایثار و شهادت و دفاع از اسلام و انقلاب است و ایثارگری و مقاومت سپاه و نیروهای مردمی است. ضمناً مشخص می‌سازد که با این وضعیت، لشکرهای مجهز زرهی و مکانیزه دشمن متوقف نمی‌شدند و با تفنگ ۳، آتشباری زمینی توپخانه و تهاجم هوایی آنان متوقف و ناکام نمی‌گردید. بلکه برای رسیدن به هدف تثبیت دشمن، تجهیزات و روش‌های تاکتیکی شناخته شده ضرورت داشته است.

۷- بسیج مخلص، شهادت طلب، مشتاق ایثار و مقاومت که در ۵ آذرماه ۱۳۵۸ با نام بسیج مستضعفان توسط امام راحل (ره) با تدبیر ارتش ۲۰ میلیونی تشکیل شد. در اوان جنگ در سازمان سپاه حضور نداشت. برخی از اعضای شورای عالی انقلاب با نظر سپاه مبنی بر تشکیل بسیج در مجموعه سپاه مخالف بودند. لذا سپاه و بسیج، سازمان رزمی عملیاتی منسجمی برای ایستادگی در یک عملیات هماهنگ و برنامه‌ریزی شده را فاقد بودند.

ستاد عملیات سپاه در جنوب به فرماندهی حاج داود کریمی در باشگاه گلف اهواز (بنام پایگاه منتظران شهادت در پاییز ۱۳۵۹ تشکیل گردید). تا اینکه با تصویب مجلس شورای اسلامی و پس از گذشت چند ماهی از آغاز جنگ، در دی‌ماه ۱۳۵۹ تشکیلات بسیج مستضعفین و نیروهای مردمی زیر نظر سپاه قرار گرفتند.

سایر گروه‌های مردمی مثل گروه جنگ‌های نامنظم (شهید چمران)، در سال دوم جنگ در اختیار سپاه قرار گرفتند.

ج - نتیجه

آنچه در بالا به آن اشاره شد سه نکته اساسی را مشخص می‌سازد:

- ۱- اهمیت سرنوشت‌ساز و حیاتی متوقف کردن دشمن.
- ۲- نقش ارتش با همه تنگناهای خود در زمین، هوا و دریا، در انجام این مهم.
- ۳- متوقف سازی متجاوز، سرآغاز و زمینه ساز حرکت نیروهای مسلح ج.ا. ایران در اقدامات آفندی بعدی بوده است.

د - اقدام

با عنایت به مطالب بالا ضرورت دارد به‌عنوان مبانی راهبرد و دکترین آموزشی جهت تبیین نقش ارتش در سال اول جنگ، هیئت معارف جنگ موارد زیرین را در آموزش‌های خود لحاظ فرمایند:

۱- با درایت و هوشمندی و بدون الزام و ذکر ضرورت تبیین این راهبرد، در هر بحث آموزش، مصاحبه و نوشته و کتابی الزاماً به این مسئله پرداخته شود. حتی اگر فی المثل عملیات کربلا و یا والفجر بیان می‌شود نقش تشبیت اولیه دشمن را بعنوان مبنای اساسی آن لحاظ نمایند.

۲- ضروری است اهمیت تشبیت دشمن در ابتدای جنگ به‌عنوان یک بحث تاکتیکی، عملیاتی کلیدی و نقش ارتش در آن سرآغاز هرگونه آموزش یا مصاحبه‌ای درباره هشت سال دفاع مقدس باشد.

۳- شایان ذکر است که با ورود صادقانه، منصفانه و هوشمندانه به این حوزه، می‌توانیم ضمن بیان حقیقتی فراموش شده ولی بسیار مهم در دفاع مقدس، برای ترسیم بهتر نقش ارتش در آن با تأثیرگذاری بیشتر موفق باشیم.

امید که با این اقدام، خشنودی شهداء سال اول جنگ و تمامی شهداء و رزمندگان دفاع مقدس را که دنباله‌روی ایثار و شجاعت مظلومانه آنان بودند، فراهم نموده و تاریخ نظامی آتی را از غفلت و یا تحریف مصون داریم.